

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی

گروه فلسفه و کلام

عنوان پایان نامه

# بررسی تطبیقی تکوین و تکامل معرفت از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) و پیازه

استاد راهنما

دکتر مهدیه السادات مستقیمی

نگارنده

مهدیه جوکار

زمستان/۱۳۹۲

**تقدیم به :**

**روح والا و پرفتوح علامه طباطبایی (ره)، همو که مشکلات صعب  
العبور معرفت را بر ما گشود .**

**و**

**به پیازه که نشانه‌های خرد و منطق را ذره ذره، در رفتار، کنش و  
تفکر بشری جستجو نمود تا شاید بتواند با کورسوی چراغ علم و تجربه  
روشنگر مسیر معرفت باشد هرچند، در آخر آنگونه که می بایست  
نتوانست .**

## تقدیر و تشکر

حمد و سپاس بی کران، خداوندی را که ما را آفرید و همگام با خلقت، چشم‌هایمان را به جهان پر رمز و راز درون و برون گشود و آن را آیتی قرار داد برای شناخت، تا کشف کنیم و دریابیم و به دنبال این کشف، درون و برومان را بشناسیم. خداوندی که برای پرسش‌هایمان، پاسخ‌هایی را در آفاق و انفس، قرار داد تا حق و حقیقت را دریافته و تشنگی‌مان را سیراب سازیم؛ همان که فرمود:

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ الْاَنْفُسِ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ اَنَّهُ الْحَقَّ».

و سپاس و تقدیر از استاد بزرگوارم، سرکار خانم دکتر مستقیم‌ی که با ارائه موضوع و راهنمایی‌های ارزنده‌اش، سهم بسزایی در به بار نشستن این رساله داشت.

و سپاس بی کران همراه با نهایت ادب و تواضع نثار مادر بزرگوارم که از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین قدم‌های خویش را در زندگی‌ام مرهون و مدیون دعای خیرش هستم.

## چکیده

مسئله‌ی تکوین و تکامل معرفت از مهم‌ترین مسائلی است که از سرآغاز تاریخ تفکر فلسفی تا کنون در دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌های مختلف، مورد تحلیل قرار گرفته است و امروزه توجه شاخه‌های دیگر علوم با رویکردهای علمی را به خود جلب کرده است. از آنجا که مقایسه‌ی مبانی و نظریات اندیشمندانی که از چشم‌اندازهای متفاوت به مسئله‌ی تکوین و فرآیند رشد معرفت توجه می‌نمایند می‌تواند ضمن نشان دادن امتیازات و نقاط ضعف نظریات، افق‌های جدیدی را در این ساحت علمی بگشاید، این رساله سعی نموده نخست به تبیین دیدگاه‌های علامه در حوزه‌ی معرفت حصولی و حضوری و رابطه‌ی آنها که بیش از هر چیز مبتنی بر معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی صدرایی است، پرداخته و به تفصیل زمینه‌های تکوین معرفت و تکامل فرآیند آن را از حوزه‌ی تصورات حسی تا معقولات ثانویه و تصدیقات و مفاهیم بدیهی بیان نماید. آن‌گاه با بیان نظریه‌ی پیازه، رئوس مطالبی نظیر مبدء، مراحل و مکانیزم شناخت که با تبیین مفاهیمی چون؛ عملکرد، طرحواره، خودمحوری، تعادل، جذب و انطباق و...، صورت می‌گیرد، اصول دیدگاه‌های وی در این زمینه تبیین گردد.

در بررسی نهایی، این نظرگاه‌ها، در حوزه‌هایی نظیر مفاهیم و مبانی، بدیهیات، مبدء، تقسیمات و فرآیند شناخت، واقعیت و موانع آن، مورد تطبیق قرار گرفت. از نتایج و ابداعات مهم این بررسی این است که؛ دیدگاه‌های روانشناختی پیازه به جهت فقدان زیرساختها و مبانی صحیح هستی‌شناسی و انسان‌شناسی ضمن تفاوت‌های عمده‌ای که با نظریات علامه پیدا می‌کند در بیان تکوین و تکامل معرفت به چالش‌هایی نظیر پارادوکس پذیرش معرفت‌پیشینی در نحوه و کیفیت واقع‌نمایی مدرکات دچار می‌شود.

**کلمات کلیدی:** تکوین، تکامل، معرفت حضوری، معرفت حصولی، علامه طباطبایی،

پیاژه، مراحل شناخت.

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱. بیان مسئله	۱
۲. سؤالات تحقیق	۲
۳. فرضیات	۳
۳-روش تحقیق	۳
۴. پیشینه	۳
۴-۱: پیشینه‌ی معرفت‌شناسی در فلسفه‌ی اسلامی	۴
۴-۲: پیشینه‌ی نظریات معرفت‌شناسی در غرب	۵
۵. ضرورت و اهداف تحقیق	۶

### فصل اول: کلیات

بخش اول: توضیح مفاهیم و واژگان‌ها	۸
۱. تکوین	۸
۲. تکامل	۹
۳. معرفت	۹
۴. واژه‌های مترادف معرفت و تعاریف لغوی و اصطلاحی آن	۱۱
۴-۱. ادراک	۱۱
۴-۲. علم	۱۳
بخش دوم: در آمدی بر معرفت‌شناسی	۱۴
۱. چیستی معرفت‌شناسی	۱۴
۲. موضوع معرفت‌شناسی	۱۶
۳. ویژگی‌های نظام معرفت‌شناسی در فلسفه‌ی اسلامی	۱۶
۴. مباحث اساسی معرفت‌شناسی معاصر در غرب	۱۶

### فصل دوم: تکوین و تکامل معرفت از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)

## بخش اول؛ درآمدی بر معرفت حصولی و تکوین آن ..... ۱۹

- ۱. بداهت علم از دیدگاه علامه (ره) ..... ۱۹
- ۲. مبدأ معرفت و شناخت حصولی ..... ۲۰
- ۲-۱. ضرورت تعیین نقطه‌ی آغازین برای معرفت تصدیقی ..... ۲۲
- ۳. واقعیت و قابلیت شناخت آن از دیدگاه علامه طباطبایی ..... ۲۲
- ۳-۱. چگونگی واقع‌نمایی مدرکات انسان از دیدگاه علامه طباطبایی ..... ۲۳

## بخش دوم: اقسام معرفت حصولی، تکامل و نحوه‌ی حصول آن ..... ۲۴

- ۱. معرفت حصولی و اقسام آن ..... ۲۴
- ۱-۱. تصورات و اقسام آن ..... ۲۴
- ۱-۱-۱. تصورات جزئی و اقسام آن ..... ۲۵
- ۱-۱-۱-۱. ادراک حسی، منشأ و نحوه‌ی حصول آن در ذهن ..... ۲۵
- ۱-۱-۱-۲. ادراک خیالی، منشأ و نحوه‌ی حصول آن ..... ۲۶
- ۲-۱-۱. تصورات کلی و اقسام آن ..... ۲۷
- ۱-۲-۱-۱. مفاهیم حقیقی یا ماهیات ..... ۲۷
- ۲-۲-۱-۱. مفاهیم اعتباری (مفاهیم غیرماهوی) و اقسام آن ..... ۲۸
- ۱-۲-۲-۱-۱. معقولات ثانویه‌ی فلسفی، منشأ و نحوه‌ی انتزاع آن‌ها ..... ۲۹
- ۲-۲-۲-۱-۱. معقولات ثانویه‌ی منطقی، منشأ و نحوه‌ی انتزاع آن‌ها ..... ۳۰
- ۲-۱. تصدیقات و اقسام آن ..... ۳۱
- ۱-۲-۱. حکم ..... ۳۲
- ۲-۲-۱. اقسام تصدیقات ..... ۳۳
- ۱-۲-۲-۱. تصدیقات بدیهی یا ضروری ..... ۳۴
- ۱-۱-۲-۲-۱. معیار بداهت یک قضیه ..... ۳۴
- ۲-۱-۲-۲-۱. اقسام تصدیقات بدیهی ..... ۳۴
- ۳-۲-۲-۲-۱. مراتب تصدیقات بدیهی ..... ۳۶
- الف: گفتاری در مورد تقدم اصل امتناع نقیضین بر سایر بدیهیات ..... ۳۶
- ب: نحوه‌ی استنتاج اصل علیت از اصول بدیهی ذهن ..... ۳۸
- ۲. تجرد ادراک حصولی و ادله‌ی آن ..... ۴۰
- ۳. تکثر ادراکات ..... ۴۲

۴. مکانیزم و نحوه‌ی حصول معرفت ..... ۴۳
۵. منشأ خطا در ادراکات انسان ..... ۴۷
۶. موانع معرفت با تأکید بر نقش گناه در ادراکات حصولی ..... ۴۹
- بخش سوم: ماهیت حضور و معرفت حضوری ..... ۵۰**
۱. تعریف معرفت از دیدگاه علامه طباطبایی ..... ۵۰
۲. حوزه‌های معنایی معرفت حضوری ..... ۵۲
- ۱-۲. جایگاه حضور در فرآیند معرفت حصولی ..... ۵۲
- ۱-۱-۲. تقریر چگونگی رابطه علم حصولی با علم حضوری به اعتبار معلوم ..... ۵۲
- ۲-۱-۲. چگونگی بازگشت علم حصولی به علم حضوری ..... ۵۳
- ۳-۱-۲. جایگاه علم حصولی با توجه به مبدئیت علم حضوری در معرفت شناسی علامه (ره) ..... ۵۵
- ۲-۲. معرفت حضوری به مثابه‌ی معرفت فطری ..... ۵۷
- ۳-۲. معرفت حضوری به مثابه‌ی معرفت شهودی ..... ۶۱
- ۲-۳-۲. جایگاه علم حضوری در مراتب عقل ..... ۶۴
۳. معرفت حضوری و اقسام آن ..... ۶۵
۴. ملاک یا نحوه‌ی تحقق معرفت حضوری ..... ۶۶
۵. موانع معرفت در ادراکات حضوری با تأکید بر نقش گناه ..... ۶۶

### فصل سوم: تکوین و تکامل معرفت، از دیدگاه پیاژه

- بخش اول: مفاهیم حوزه‌ی معرفت و ابعاد آن از دیدگاه پیاژه ..... ۷۱**
۱. مفاهیم ..... ۷۱
- ۱-۱. طرحواره ..... ۷۱
- ۲-۱. ساخت ..... ۷۱
- ۳-۱. پدیدآیی ..... ۷۲
- ۴-۱. خودمیان بینی ..... ۷۲
- ۵-۱. نگهداری ذهنی ..... ۷۳
- ۶-۱. بازگشت پذیری ..... ۷۴
۲. ابعاد معرفت (منابع الهام بخش پیاژه در ارائه‌ی نظریه شناخت) ..... ۷۴
- ۱-۲. زیست شناسی ..... ۷۴



- ۲-۲. ساخت های منطقی - ریاضی ..... ۷۶
- ۲-۳. سایبرنتیک ..... ۷۷
- بخش دوم: مباحث مربوط به واقعیت، معرفت و تکامل آن، از دیدگاه پیاژه .... ۷۷**
۱. چیستی معرفت از دیدگاه پیاژه ..... ۷۷
۲. تکوین و پدیدآیی (مبدأ) معرفت از منظر پیاژه ..... ۷۸
۳. ارتباط میان معرفت، ساختن و عملیات از دیدگاه پیاژه ..... ۷۹
۴. واقعیت خارج از ذهن ..... ۸۰
۵. نسبت معرفت با واقعیت در اندیشه‌ی پیاژه ..... ۸۰
۶. عوامل مؤثر در رشد و تکامل معرفت ..... ۸۲
- ۶-۱. رشد جسمانی ساختارهای عصبی ..... ۸۲
- ۶-۲. تمرین و تجربه ..... ۸۳
- ۶-۳. ارتباطات و تعاملات اجتماعی ..... ۸۳
- ۶-۴. تعادل ..... ۸۴
۷. فرآیند کلی (مکانیزم) معرفت از منظر پیاژه ..... ۸۵
- ۷-۱. درونسازی یا همسانسازی ..... ۸۵
- ۷-۲. برونسازی یا همسازی ..... ۸۵
- ۷-۳. تعادل (چگونگی تعامل میان برونسازی و درونسازی) ..... ۸۶
۸. خطاهای ادراکی از منظر پیاژه ..... ۸۸
- بخش سوم: مراحل رشد شناختی ..... ۸۹**
- ۱- مرحله‌ی اول؛ حسی - حرکتی (بدو تولد تا ۲ سالگی) ..... ۹۱
- ۱-۱. شکل‌گیری و تکامل ساختمان واقعیت در دوران حسی - حرکتی ..... ۹۲
- ۱-۲. سیر تکاملی رشد شناختی کودک در دوران حسی - حرکتی ..... ۹۳
۲. مرحله‌ی دوم؛ پیش عملکردی (۲ تا ۷-۸ سالگی) ..... ۹۴
- ۲-۱. رفتارها و اعمال دوران پیش عملکردی ..... ۹۶
- ۲-۱-۵-۱. زبان و روانشناسی ..... ۹۷
- ۲-۲. ویژگی‌های تفکر و استدلال کودک در این دوره ..... ۹۹
- نتیجه‌گیری خاص پیاژه از این مرحله ..... ۱۰۱

۳. مرحله‌ی سوم؛ عملیات عینی (۷-۱۲ سالگی) ..... ۱۰۲
- ۳-۱. مفاهیم ذهنی شکل گرفته و پیشرفت‌های شناختی کودک در این مرحله ... ۱۰۳
- نتیجه‌گیری پیاژه از این دوران ..... ۱۰۴
۴. مرحله‌ی چهارم؛ عملیات صوری (گزاره‌ای) ..... ۱۰۵
- ۴-۱. ویژگی عمومی تفکر نوجوان ..... ۱۰۷
- ۴-۲. تکوین و تکامل منطق ..... ۱۰۹
- ۴-۲-۱-۱. اصول بدیهی ..... ۱۱۱
- ۴-۲-۱-۲. کلیت ..... ۱۱۳
- ۴-۲-۱-۳. وحدت ..... ۱۱۵

### **فصل چهارم: بررسی تطبیقی تکوین و تکامل معرفت از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) و پیاژه**

**بخش اول: بررسی تطبیقی تفاوت مبانی، ماهیت و تقسیمات معرفت از دیدگاه علامه**

- طباطبایی و پیاژه ..... ۱۱۸**
۱. بررسی تطبیقی روش معرفت‌شناسی علامه طباطبایی و پیاژه ..... ۱۱۸
۲. بررسی تطبیقی رویکردها به مسئله‌ی معرفت از منظر علامه طباطبایی و پیاژه ... ۱۲۱
۳. بررسی تطبیقی ماهیت معرفت و مجرد آن از منظر علامه طباطبایی و پیاژه ..... ۱۲۲
۴. بررسی تطبیقی تفاوت در مبدأ معرفت از منظر علامه طباطبایی و پیاژه ..... ۱۲۴
۵. بررسی تطبیقی تفاوت در تقسیمات معرفت از منظر علامه طباطبایی و پیاژه ... ۱۲۸
۶. بررسی تطبیقی مراتب معرفت از دیدگاه علامه طباطبایی و پیاژه ..... ۱۲۸

**بخش دوم: بررسی تطبیقی تفاوت در تفسیر و بیان بدیهیات و کلیات از دیدگاه علامه**

- طباطبایی و پیاژه ..... ۱۳۶**
۱. بررسی تطبیقی تفاوت در تفسیر و بیان بدیهیات از منظر علامه طباطبایی و پیاژه ..... ۱۳۶
- ۱-۱. بررسی تطبیقی، تفسیر و بیان اصل امتناع نقیضین از منظر علامه طباطبایی و پیاژه ..... ۱۴۲
- ۱-۲. بررسی فرآیند تکوین و تکامل معرفت در دستیابی به تعمیم و تمثیل منطقی (با تأکید بر درک مفهوم علیت) از دیدگاه علامه طباطبایی و پیاژه ..... ۱۴۵
۲. بررسی تطبیقی تکوین و تکامل معرفت با تأکید بر تصور و تصدیق کلی، از دیدگاه علامه طباطبایی و پیاژه ..... ۱۴۹

۱-۲. بررسی تطبیقی تکوین و تکامل، تصور کلی از منظر علامه و پیاژه	۱۴۹.....
۲-۲. بررسی تطبیقی تکوین و تکامل تصدیقات کلی از منظر علامه و پیاژه	۱۵۱.....
<b>بخش سوم: فرآیند معرفت، موانع و واقع‌نمایی مدرکات از منظر علامه</b>	
<b>طباطبایی و پیاژه</b>	<b>۱۵۴ .....</b>
۱. بررسی تطبیقی مکانیسم و نحوه‌ی حصول ادراک از منظر علامه و پیاژه	۱۵۴.....
۲. بررسی تطبیقی واقع‌نمایی مدرکات انسان از دیدگاه علامه طباطبایی و پیاژه	۱۵۸... ..
۳. بررسی تطبیقی منشأ خطا در ادراکات انسان از منظر پیاژه و علامه (ره)	۱۶۴.....
۴. بررسی تطبیقی موانع معرفت از دیدگاه علامه طباطبایی و پیاژه	۱۶۶.....
نتیجه‌گیری	۱۷۲.....
فهرست منابع	۱۷۵ .....

## مقدمه

### ۱. بیان مسئله

مسئله تکوین و تکامل معرفت انسان از مسائل مهم حوزه‌های فلسفه و معرفت‌شناسی است که برخی از جنبه‌های آن در سایر علوم نظیر؛ معرفت‌شناسی، روانشناسی، زبان‌شناسی، فیزیولوژی، عصب‌شناسی، ژنتیک و... مورد بحث قرار می‌گیرد.

از میان فلاسفه معاصر، علامه طباطبایی (ره) از جمله فلاسفه‌ای است که در زمینه معرفت‌شناسی صاحب نظر می‌باشند ایشان در زمینه تکوین معرفت دارای نظریات بدیع و تازه‌ای هستند که ابتدا با در نظر گرفتن بدیهیات و فطریات به عنوان مبنایی برای آغاز و شکل‌گیری معرفت، به بیان تفسیر و توجیه سایر ادراکات انسان، اعم از حسی، خیالی و عقلی می‌پردازد. از نظر ایشان تمامی ادراکات انسان از حواس آغاز می‌شود و بین صورت‌های حاسه، خیالی و عقلی، نسبت‌های ثابتی برقرار است که به ترتیب از علم جزئی آغاز شده و تا علم کلی خیالی و علم کلی عقلی تکامل می‌یابد از این نظر، ایشان هر ادراکی را حسی یا مسبوق به حس می‌دانند. از طرف دیگر با توجه به تأثیرپذیری بسیار ایشان از مبانی معرفت‌شناسی صدرایی ایشان در نهایت، هر ادراک حسی و حصولی را به ادراک حضوری مسبوق دانسته که در آن مرتبه، اتحاد مدرک و مدرک رخ می‌دهد. در حقیقت هر ادراکی مسبوق به شناخت و درک حضوری مدرک و واقعیت درک شده است. بنابراین علم ما به خارج، به صور مثالی یا عقلی اشیاء که به محاذات قوای ادراکی انسان قرار گرفته‌اند، تعلق می‌گیرد و این صور مجرد از ماده هستند که با نفس ما متحد شده و ادراک به وقوع می‌پیوندد. نظیر این بیان را می‌توان در نظریات شیخ اشراق و ابن عربی نیز در باب ادراک مشاهده کرد، از نظر علامه معمای شناخت جز با متوسل شدن به این نظریه حل نمی‌شود. در این بین علم حصولی که در این میان به واسطه‌ی صور و معانی به وجود می‌آید، سرابی بیش نیست که به واسطه‌ی قوه‌ی واهمه بر قوه‌ی ادراکی بشر، تحمیل شده است. از این رو قابل اشتباه و خطا است.

از سوی دیگر، یکی از نظریه پردازان بزرگی که در زمینه روانشناختی به مباحث تکوین و تکامل معرفت انسان پرداخته است، پیازه می باشد، دیدگاه او متأثر از سه دیدگاه سایبرنتیک، زیست شناختی و صوری-منطقی است او ابتدا رشد و تکامل معرفتی انسان را در چهار مرحله پیش عملکردی، عملکردی، عملیات محسوس و عملیات صوری-منطقی مطرح کرده و به دنبال آن نظریه معرفت شناسی خود را ابراز می کند او از مفاهیمی مانند؛ طرحواره، همسازی و همسان سازی را برای توصیف و چگونگی تکوین و تکامل معرفت بکار می برد از نظر او تکوین معرفت از طریق انجام عملیات ذهنی بر روی شماها یا طرحواره های کسب شده توسط عوامل مختلف و سپس همسانی (جذب و تحلیل خوراک در بدن) و همسانسازی (تطبیق و سازگاری با مقتضیات) آن ها صورت می گیرد.

او هوش را هم با نظر به این مبنای معرفت شناسی اش، به معنای سازگاری یا همسانسازی ذهن با عین تعریف می کند. در مورد علم و بینش، پیازه قائل به نقش فعال قوای ادراکی انسان است که از حس منبعث می شود ولی ادراکاتش کاملاً حسی نیست.

تعادل ادراکی و شناختی نقش مهمی در نظریه تکامل معرفت شناسی پیازه ایفا می کند او معتقد است که حرکت شناختی بشر به سوی هدفی ارزشی است که در بستر تکامل، خود را می نمایاند، یعنی کل های برتر که دارای تعادلی برترند، مدام کل های ساده تر را که دارای تعادل های پایین تری هستند، به سوی خود می کشانند. از سوی دیگر، تعادل های پایین تر، به سوی آن ها رانده می شوند. هر دوی این فرایندها در سیر تکاملی شناختی فرد وجود دارند او با تحقیقات خود نشان داده است که از اولین حرکات کودک تا عالی ترین سطوح اندیشه و شناخت، تمایل به تعادل کل، به عنوان جوهره اصلی و ماهیت وجودی تحولات، به خوبی پیداست. از جمله راه هایی که او برای دست یابی به این تعادل برتر برمی شمرد شناخت خویشتن است که آن نیز با عمل و کنش فرد نسبت به جهان خارجی صورت می پذیرد.

این رساله بر آن است تا با معرفی دیدگاه های هر دو دانشمند عالی قدر در مورد چگونگی تکوین، شکل گیری و تکامل معرفت، به بررسی تطبیقی نظرات و آراء ایشان پرداخته و نقاط اشتراک و اختلاف این دو را بیان نموده و در صورت امکان تبیینی فلسفی یا علمی از هر کدام از این دو دیدگاه ارائه دهد.

## ۲. سؤالات تحقیق

الف- مبنای و آراء علامه طباطبایی در بحث تکوین و تکامل معرفت حضوری و حصولی

چيست؟

- ب- مبانی و آراء پیاژه در بحث پدیدآیی و تکامل معرفت چیست؟  
ج- وجوه افتراق و اشتراک آراء و نظرات علامه طباطبایی و پیاژه در بحث معرفت چیست؟

### ۳. فرضیات

الف- مبانی آراء و نظریات علامه طباطبایی در حوزه‌ی تکوین و تکامل معرفت، با اصالت بخشی به حضور و معرفت حضوری بر مبنای معرفت شناسی و هستی شناسی صدرایی قابل تحلیل است.

ب- مبانی آراء و نظریات پیاژه در حوزه‌ی تکوین و تکامل معرفت با توجه به مراحل رشد شناختی و مفاهیم پایه‌ی معرفتی نظیر طرحواره، ساخت، تعادل و کنش، قابل تبیین است.

ج- مبانی آراء و نظریات پیاژه و علامه در مبانی، رویکردها و برخی دیگر از ارکان بحث، به خصوص معرفت حضوری به دلیل انتفاء اعتقاد پیاژه به این حوزه قابل تطبیق نیست ولی در تکوین و تکامل معرفت حصولی می توان وجوه اشتراک معدودی نظیر تدریجی بودن شکل گیری شناخت و ارتباط آن با حس و... می توان یافت.

### ۳- روش تحقیق

این پایان نامه به شیوه‌ی مقایسه‌ای-تطبیقی، می باشد و برای گردآوری مطالب مورد نیاز، از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

### ۴. پیشینه

مسئله‌ی شناخت و معرفت آدمی یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به ذهن انسان است مسئله‌ای که ذهن بسیاری از فیلسوفان و متکلمان را به خود مشغول کرده است تا جایی که مکاتب متعدد فلسفی در غرب برای جواب گویی و توجیه این مسئله به تکاپو افتاده و با روش خاص خود، به جستجوی راه حلی برای آن پرداختند. پیش از قرن ۱۹ میلادی بیشتر کسانی که به این مسئله می‌پرداختند فیلسوفانی بودند که به نوعی با روش عقلی و منطقی سروکار داشتند اما پس از قرن ۱۹ متفکران دیگری از جمله روانشناسان، عصب شناسان، فیزیولوژیست ها، ریاضی دانان و... راه‌ها و طرق مختلف دیگری چون روش‌های تجربی، مشاهده‌ای، آزمون و خطا، تست‌های سنجش هوش و... را وارد این مسئله نمودند و با روش مخصوص به خودشان به توجیه و تبیین مسئله‌ی شناخت انسان پرداختند. علامه طباطبایی از جمله متفکرین و فیلسوفان بزرگ قرن بیستم است که با روش خاص عقلی و فلسفی به مسئله‌ی شناخت پرداخته است گرچه او در روش، پیرو قدامی خود بود اما

دیدگاه‌های معرفت‌شناسی خاص و ویژه‌ای دارد که مخصوص خود اوست دیدگاه او در رابطه با اعتباری‌ات، مفاهیم بدیهی و نحوه‌ی حصول معلومات، دیدگاهی ویژه و نو محسوب می‌شود او در جای جای آثارش نظیر اصول فلسفه رئالیسم، تفسیر المیزان، اصول فلسفه و روش رئالیسم، نه‌ایة الحکمة... به بحث‌های معرفت‌شناسی پرداخته است.

از آن سو پیازه یکی از این متفکرین قرن بیستمی است که با توجه به تخصص‌های متعددش در حوزه‌های مختلف فلسفی، روانشناسی، فیزیولوژی، منطق و ریاضیات و همچنین استفاده از دستاوردهای سایر علوم، دیدگاهی بسیار خاص و ویژه‌ای را راجع به شناخت ابراز کرده است. روش او در معرفت‌شناسی تجربی و بالینیست که بر اساس مشاهدات و آزمون‌هایی که بر روی کودکان در سنین مختلف رشد صورت می‌دهد، تبیین و تفسیری که او از دیدگاه‌های کودکان در سطوح مختلف رشد می‌کند، اساس و پایه و سیر تکاملی معرفت‌شناسی او را تشکیل می‌دهد پیازه دیدگاه‌های معرفت‌شناسی خود را به نحو مفصل و مبسوطی در اکثر آثار خویش نظیر ساختارگرایی، معرفت‌شناسی تکوینی، روانشناسی هوش، روانشناسی کودک، تربیت ره به کجا می‌سپارد و ... ذکر کرده است. با این همه تا کنون پژوهش تطبیقی مبنی بر ارتباط یا تطبیق این دو نظر فلسفی و روانشناختی که به بیان نقاط مشترک و متفاوت این دو پردازد، انجام نشده است. از این جهت، آنچه در این تحقیق مورد اشاره قرار می‌گیرد نخست گزیده‌ای از مهم‌ترین افکار و آراء این دو متفکر بزرگ در رابطه با مسئله‌ی شناخت و سپس تطبیق و تعامل این دو گفتمان با یکدیگر می‌باشد برای رسیدن به این منظور نخست به تاریخچه‌ای از مباحث و نظریات مهم معرفت‌شناسی و نحوه‌ی حصول ادراکات در ذهن انسان در میان متفکران پیشین چه در فلسفه‌ی اسلامی و چه از نظر فیلسوفان غربی پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱: پیشینه‌ی معرفت‌شناسی در فلسفه‌ی اسلامی

حکمای اسلامی حداقل از دو زاویه به مبحث علم و ادراک پرداخته‌اند گاهی علم را از نظر وجودشناسی در نظر گرفته، مباحثی از قبیل تجرد ادراک، قوای مدرکه و کیفیت حصول ادراک را مطرح می‌کنند و گاه نیز نگاه منطقی و مفهوم‌شناختی به این بحث افکنده مسائلی از قبیل علم حصولی و حضوری، تصور و تصدیق و ارزش علم را باز گفته‌اند.

در مورد چگونگی ساخته شدن مفهوم کلی، فلاسفه اسلامی بر دو گروه هستند: بوعلی و پیروان مکتب او - که در نفس انسان به خلاقیت قائل هستند - می‌گویند:

نفس انسان به کمک ادراکات جزئی قدرت پیدا می‌کند تا یک صورت کلی بسازد که بر افراد نامحدودی قابل انطباق باشد. در حالی که صدر المتألهین در برخی از سخنان خود، مسئله

تعالی و صعود مفهوم را از مرتبه خیال به مرتبه عقل پیش می‌کشد و می‌گوید: همان‌طور که صورت حسی با ریختن برخی از مشخصات به مقام بالاتر، که مقام خیالی و بایگانی است، صعود می‌کند و صورت خیالی، حالت تعالی به خود می‌گیرد، هم‌چنین صورت خیالی با حذف مشخصات دیگر که به آن جنبه جزئیت و تشخیص می‌دهد به مقام برتر صعود کرده، حالت تعالی به خود می‌گیرد و مفهوم جزئی به صورت کلی درآمده و رابطه‌ی این صورت با صورت پیش، رابطه تولیدی نیست، بلکه رابطه صعود و تعالی است.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲: پیشینه‌ی نظریات معرفت‌شناسی در غرب

در گذشته در مغرب زمین دو نوع نظریه برای توجیه اکتساب معرفت پیشنهاد شده است. یک نظریه که آراء مبتنی بر عکس برداری یا نظریه مبتنی بر استنساخ<sup>۲</sup> نامیده می‌شود که عقیده دارد ذهن انسانی تقریباً همانگونه عمل می‌کند که یک دوربین عکاسی در موقع عکس برداری عمل می‌کند. در واقع بر این فرض است که خارج از اذهان یا قوای دماغی ما یک واقعیت وجود دارد که کاملاً از جریانات شناختی ما مستقل است. ذهن انسان از این واقعیات عکس‌هایی می‌گیرد و آنگاه آن را در حافظه‌ی خود بایگانی می‌کند. اختلاف بین دنیای کودک و دنیای بزرگسال نیز چنین توجیه می‌شود که شخص بزرگسال تصاویر بیشتری را نسبت به کودک در حافظه‌ی خود بایگانی می‌کند. اختلافات فردی در هوش نیز می‌توان برحسب کیفیت این دوربین، سرعت و تبیین نمود در این تشبیه دوربین‌های عکاسی کودکان در مقایسه با بزرگسالان از دقت و حساسیت کمتری برخوردار است.

دومین نظریه شناخت مربوط به این است که طرز عمل ذهن شبیه به یک پروژکتور است. طبق این نظریه نوزاد با یک مجموعه که پیش ساخته و ذاتی از فیلم، که بخشی از استعداد طبیعی و ذاتی اوست، قدم به دنیا می‌گذارد. آگاهی پیدا کردن از دنیا و کسب معرفت از آن مساوی است با گرداندن این فیلم‌ها از درون یک پروژکتور که خود این فیلم را در روی پرده‌ی سفیدی که جهان باشد، نشان می‌دهد. این نظریه مدعی است که ما هرگز چیز تازه‌ای از جهان فرا نمی‌گیریم و درواقع هیچ چیز خارج از اذهان ما وجود ندارد و تمام جهان محصول جریانات ذهنی یا درونی خود ماست. اختلافات دنیای بزرگسالان و کودکان را می‌توان با این استدلال که بزرگسالان تعداد

---

۱- ک به: صدر المتألهین، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة (با حاشیه علامه طباطبائی)، چاپ: سوم. بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۳۱۹.



فیلم‌های پیش ساخته‌ی بیشتری را به نمایش گذاشته‌اند تا کودکان، توجیه نمود و اختلافات فردی را می‌توان بر حسب کیفیت و مسائل مربوط به انعکاس و محتوای فیلم‌ها تبیین کرد.<sup>۱</sup>

## ۵. ضرورت و اهداف تحقیق

ادراک و معرفت بشری، نحوه شکل‌گیری و تکامل آن، از جمله مباحث مهم در تاریخ تفکر بشری است که مبنا و اساسی برای فهم سایر مفاهیم و پارادایم‌ها به شمار می‌رود. مبحثی که با پرسش‌های مشترک و ثابت آغاز شده (پرسش‌هایی نظیر آیا واقعیتی هست؟ چگونه بدین واقعیت دسترسی می‌یابیم؟ آیا این واقعیت با تکامل و تحول ما تغییر می‌کند؟) و به پاسخ‌ها و تلاش‌های فلسفی و علمی بی‌شماری منجر می‌شود هر یک از محققان و متفکران برای پاسخ‌دادن از رویکرد خاص خود برای پاسخ استفاده کرده‌اند که رویکرد علامه (ره) تبیین فلسفی تکوین و تکامل ادراکی است. از سوی دیگر پیازه یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان معاصر است که دیدگاه‌هایش تأثیر بسیاری بر متأخران خود نهاده است او از سه رویکرد مختلف به ادراکات و شناخت‌های انسان نگاه می‌کند (رویکرد فلسفی، ریاضی-منطقی و زیست‌شناختی) و نظرش وحدت و تعادل بین این سه رویکرد در تکامل معارف بشری است.

گرچه این دو نظریه‌ی خاص معرفت‌شناسی، هر کدام با رویکرد و مبانی ویژه‌ای که دارند، وارد بحث معرفت می‌شوند اما در مواردی این دو نظریه به یکدیگر نزدیک شده و نظر واحدی را با بیانی متفاوت بیان می‌کند کشف نقاط افتراق و اتحاد این دو نظریه از اهداف اصلی این رساله است چراکه کشف نقاط اشتراک می‌تواند گامی مثبت در جهت وحدت تجربه و عقل محسوب گردد.

از سوی دیگر، با بررسی تطبیقی این دو دیدگاه، علاوه بر اینکه از نتایج سایر علوم در مسئله‌ای واحد در فلسفه بهره‌مند خواهیم شد فرصتی به دست می‌آید تا با مقایسه و تطبیق، برتری‌ها یا نقاط ضعف هر کدام از این دو دیدگاه مشخص و معرفی شود.

---

۱- دیوید الکاوند، رشد کودک و تعلیم و تربیت از دیدگاه پیازه، ترجمه‌ی دکتر حسین نائلی، مشهد، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات

آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴، صص ۹۳-۹۲.

**فصل اول:**

**کلیات**

## بخش اول: توضیح مفاهیم و واژگان‌ها

### ۱. تکوین

تکوین در لغت به معنای هست کردن، از نو بیرون آوردن چیزی، هست نمودن و ... است<sup>۱</sup> همچنین تکوین، دارای معانی دیگری چون احداث، گردانیدن، آفریدن، نوپدیدگی، ساختن و صورت دادن است که همه‌ی این معانی به نوعی با ریشه‌ی این کلمه «کون» به معنی به وجود آمدن مطابق است در متون قدیم فلسفه معمولاً تکوین به معنی کون در مقابل فساد می‌آید. پس تکوین شیء، عملی است که به موجب آن، شیء احداث می‌شود و به حالت موجود می‌رسد؛ و یا به معنی مجموع صوری است که نسبت به شرایطی که برای نمود شیء لازم است، پی در پی بر شیء وارد می‌شود. از این قبیل است تکوین موجودات، تکوین وظایف، تکوین مؤسسات و غیره.<sup>۲</sup>

تکوین در معنای اصطلاحی‌اش عبارت است از ایجاد شیء مسبوق به ماده و مدت است<sup>۳</sup> و نزد متکلمان اخراج معدوم است از عدم به وجود و تکون انقلاب و تغییرشیء است از آنچه بالقوه است به سوی فعلیت «التکون هو من معدوم لا من موجود».<sup>۴</sup>

به اعتقاد فیلسوفان، تکوین مشروط به ماده‌ای است که باید قبل از آن وجود داشته باشد، بر خلاف ابداع که مشروط به عدم ماده قبلی است. بنا بر این تکوین دارای مبدأ و اصلی است که مستند به آن است. به همین جهت است که تکوین و اصل، از جهتی مقابل یکدیگر و از جهتی داخل یکدیگرند.

تکوین صفت ازلی خداوند است. به این معنی که جهان و اجزاء آن را، به علم و اراده خود، در لحظه موجود شدن آن، ایجاد می‌کند. بنابراین، تکوین صفتی ثابت، باقی و ابدی است اما شیء

۱ - لغت نامه‌ی دهخدا، ذیل تکوین.

۲ - جمیل صلیبا، منوچهر صانعی، فرهنگ فلسفی، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت، ج ۱، ص ۲۵۲.

۳ - سید جعفر سبحانی، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱، ص ۱۵۹.

۴ - سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۵۷۸.

تکوین یافته حادث است و حدوث آن متعلق به حادث کننده آن است. در مورد سایر صفات قدیم خدا نیز چنین است، یعنی از قدم صفت قدم متعلق آن لازم نمی آید. اخیراً اصطلاح طبقه بندی تکوینی نیز به کار برده اند. مقصود از این طبقه بندی این است که اشیاء را بر حسب نظام احداث آن‌ها یا بر حسب عللی که در تکوین آن‌ها مؤثر بوده است، طبقه بندی کنیم.<sup>۱</sup>

## ۲. تکامل

تکامل در لغت به معنای به کمال رسیدن، کامل شدن<sup>۲</sup> و (اسم مصدر عربی) به معنای روبه کمال رفتن و به تدریج کامل شدن معنی می شود.<sup>۳</sup>

تکامل از لحاظ اصطلاحی در مقابل انحلال و پراکندگی است. به روابط اجزاء بدن موجود زنده یا به روابط اجزاء جامعه، از این جهت که مشروط و متوقف بر یکدیگرند، نیز مجازاً تکامل گفته می شود. همچنین به اندراج یک پدیده جدید در نظام نفسانی پیشین، تکامل می گویند.

این تنوع معنی تکامل دال بر این است که روابط وظایف اعضائی و تنوع ساختمان موجودات، و همکاری و همیاری عضوی که ناشی از آن است، همه و همه وحدت موجود زنده و هویت آن را تحقق می بخشد و این وحدت و وحدت متکامل نامیده می شود. تکامل عقلی عبارت است از ایجاد پیوند و هم آهنگی بین فعالیت‌های ذهنی و تکامل عملی عبارت است از ایجاد پیوند و اتصال بین کار جدید و جریان عادی امور.<sup>۴</sup>

## ۳. معرفت

معرفت در لغت به معنای شناسایی، علم و دانش<sup>۵</sup> در فارسی معرفت معادل شناخت است و عام ترین مفهوم آن مساوی با مطلق علم است، علم مفردات اینگونه معرفت را تعریف کرده که به ادراک حقیقی شیء، معرفت گفته می شود.<sup>۶</sup>

معرفت معادل کلمه‌ی فارسی شناخت است و شناخت یعنی دریافتن چیزی از طریق حواس یا طریق دیگر و حصول تصور اشیاء. این مفهوم نزد قدماء به چند معنی به کار رفته است:

۱- ادراک شیء توسط بعضی حواس.

۱- جمیل صلیبا، منوچهر صانعی، ج ۱، صص ۲۵۲-۲۵۴.

۲- فرهنگ نامه معین در ذیل تکامل.

۳- دایره المعارف عمید در ذیل تکامل.

۴- جمیل صلیبا، منوچهر صانعی، ص ۲۵۲.

۵- لغت نامه معین در ذیل معرفت.

۶- حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، سندج، بی نا، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۸۰.